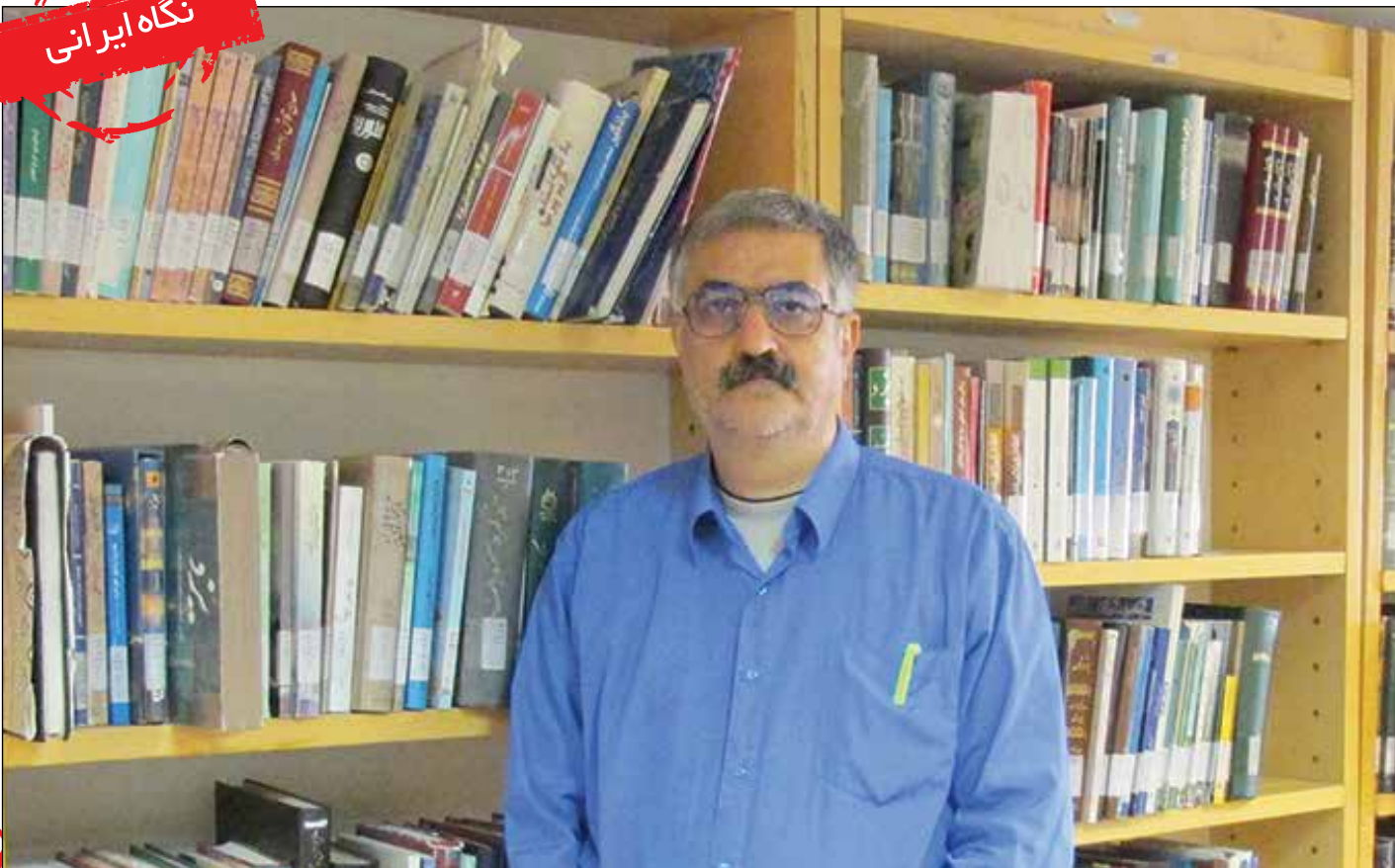


نگاه ایرانی

عکس: فیصل عباسی/گالری‌آرند



گفت‌وگو با حسین مسرت؛ پژوهشگر تاریخ و فرهنگ یزد

امیدوار به نسل آینده «یزدپژوهی»

شاید برای بیش از ۶۰۰ مقاله‌ام، تنها برای ۵۰ مقاله حق التألیف گرفته باشم، اما این برایم مهم نیست؛ مهم، اعتلای فرهنگ ایران است



«یزد»، سرزمینی است با پیشینه‌ای که به هزاره های کهن بازمی‌گردد طی قرون و اعصار نضج یافته امروزگار آبادانی اش را قرن هشتم هجری و در دوران حاکمیت اتابکان یزد می‌دانند. اما شناخت این خطه، تنها به تاریخ آن محدود نمی‌شود؛ فرهنگ زیست مردم کویرنشین که همراه با آن آب‌انبار و یادگیر را به همراه آورده نیز مهم است. افزون بر این، پلایکوبی‌ها و سوگواری‌ها هم جایگاهی ویژه دارد که در کنار گویش و واژه‌های آن، دانشی جدا و مجزا را شامل می‌شود که به آن «یزدشناسی» یا «یزدپژوهی» اطلاق می‌شود که نام‌آور تارک این عرصه می‌م‌باشد. اگرچه پیش از او، باید از ایران‌شناس فقید؛ «ایرج افشار» نام برد که به سبب اصالت خانوادگی، حق بزرگی برگردن این سرزمین دارد و ۳۵ کتاب و ۱۲۰ مقاله مرتبط با یزد نگاشته است. در این میان البته «حسین مسرت» نقش مهمی داشته و با وجود آنکه دوم‌پرو را امسال، ۵۶ ساله شد اما تا به اکنون، ۶۰۰ مقاله نوشته و بسیار پایان‌نامه‌ها - که اگرچه به سبب نداشتن جایگاه دانشگاهی، نامی از او در آنجا نیست-، او استاد راهنمایان بوده است. جوانی مملو از دشواری را گذراند اما هیچ مانع از آن نشد که فرهنگ را رها کند. دو سال را در اداره میراث فرهنگی یزد به کار مشغول شد و بعد در حالی که ۲۶ سال بیشتر نداشت به کتابخانه وزیری یزد رفت و تا به اکنون در بخش مرجع این نهاد فرهنگی، خادم اتانی است که در اندیشه یزدپژوهی هستند. کتاب «یزد، یادگار تاریخ» که مجموعه مقالات یزدشناسی او است، با مقدمه‌ای از ایرج افشار، به تازگی از سوی نشر دف منتشر شده است. در ادامه روند گفت‌وگو با چهره‌های برجسته‌ای که هر یک، عرصه خود را مصروف شناختن و شناساندن زادگاه خود کرده‌اند، پس از زنده‌یاد «حمید ایزدپناه»، پژوهشگر تاریخ و فرهنگ لرستان - که ۱۴۰۰ سال گذشته در همین صفحه منتشر شد-، اینک گفت‌وگو با «حسین مسرت» که در یزد صورت گرفت را در ادامه می‌خوانید.

■ آقای مسرت! از پیشینه خانوادگی خود بریمان بگویید و اینکه جقدر فضایی که در آن رشد کرده اید در جهت گیری آینده شما تأثیر داشته است؟

پدر من سفر سقز را اسناد رسمی - و البته پیش از آن در شغل عطاری - بود و پدرش هم جزو معارف یزد به حساب می‌آمد. پدرم خانواده شخصی بسیار بزرگی داشت که زمانی حدود دو، سه هزار جلد کتاب داشته و عمدتاً کتاب‌های سنگی و خطی بوده ولی با توجه به دشواری‌هایی که در زندگی پیش می‌آید و مشغلی که با همسرش پیدا می‌کند، به ناچار خانه را در گرویکی از نزول خواران یزد می‌گذارد و پولی که از او گرفته بود را چون نتوانسته بود به وی بازگرداند، خانه به تصاحب آن شخص درمی‌آید. در زیرزمین این خانه انبوهی از کتاب بوده و بعد از بازگرداندن پول به صاحبش، وقتی به سراغ خانه و کتاب‌های می‌رود، می‌بیند که تقریباً تمام کتاب‌ها را موربانه خورده است. با این حساب پدر من علاوه بر شغل عطاری، کتاب به مردم امانت می‌داده است. قبل از این که کتابخانه‌های عمومی در یزد ایجاد شوند، البته جاهایی مثل کتابفروشی گلپایز بودند که کتاب به مردم به قیمت ۱۰ یا ۲۰ شاهی امانت می‌دادند که کتاب‌ها را می‌گرفتند و می‌خواندند و برمی‌گرداندند. تحصیلات پدر کلاس ششم قدیم بود که معادل دیپلم الان است اما از لحاظ سواد معادل لیسانس بود. او حافظ را حفظ بود و از کودکی به ما خواندن و حفظ کردن حافظ را سفارش می‌کرد.

■ پس شما در فضایی مملو از کتاب و نسخه‌های خطی رشد کردید؟

رسانه‌ها بود. چه رشته‌ای در دانشگاه خواندید؟

با توجه به اینکه من در سال ۱۳۵۹ یعنی سالی که دیپلم گرفتم، پدرم را از دست دادم و به دلیل مشکلاتی که در همه خانواده‌ها وجود دارد دیگر هیچ کس از من هیچ‌گونه حمایتی نکرد و من به ناچار در ۲۰ سالگی مشغول به کار شدم تا بتوانم مخارج مادرم و خواهرم را تأمین کنم، این گونه بود که بعد از دیپلم به سربازی رفتم و بلافاصله از سربازی هم معاف شدم و از همان سال وارد بازار کار شدم. طبعاً به دلیل مسائل اقتصادی نمی‌توانستم درس بخوانم تا این که با افتتاح دانشگاه پیام نور توانستم ۱۰ سال بعد، در آزمون سراسری در رشته زبان و ادبیات فارسی پذیرفته شوم. آن هم به دلیل این که می‌توانستم تمام هفته را کار کنم و پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها را درس بخوانم ولی اگر دانشگاه دیگری بود باز هم مقدور نبود. به همین سبب که ناچار بودم کار کنم، نتوانستم ادامه تحصیل دهم تا اینکه سال ۱۳۹۴ بعد از بیست سال در رشته نسخه‌شناسی پذیرفته شدم که اکنون دانشجو ی ترم ۳ هستم.

■ خواننده‌ام که بسیار خود را به استاد روانشاد ایرج افشار مدیون می‌دانید. از نخستین دیدار خود با او و چگونگی ارتباط تان طی این سال‌ها بگویید.

سال ۱۳۶۳ هفته‌نامه ندای یزد در یزد شروع به کار کرد و بر خلاف نشریاتی که معمولاً در شهرستان‌ها آگهی‌نامه هستند، این نشریه سه، چهار و بعضی وقت‌ها ۶ صفحه‌اش اختصاص به اطلاعات تاریخی یزد داشت و مقالاتی چاپ می‌کرد و برای نخستین بار تحولی در مطبوعات یزد ایجاد شد. از همان آغازین سال‌های انتشار ندای یزد، من با آنها همکاری داشتم و این نشریه مداوم به دست استاد افشار می‌رسید و من در آنجا به غیر از مقالاتی که درباره یزد داشتم، سلسله مقالاتی هم می‌نوشتم که تقریباً آن تخصصی بود که من انجام می‌دادم و بر حسب دانش خودم بود که نمونه آن، نقد و معرفی کتاب‌هایی درباره یزد بود که طبیعتاً بخشی از آثار ایرج افشار هم در همین رابطه است. تا این که علاقه‌مند شدم تا روی تاریخ مشروطه یزد کار کنم. چند سالی در زمینه تاریخ مشروطه یزد منابعی را جمع‌آوری کردم و بعد از اینکه مصاحبه‌های محلی این سن برداشتم در همین رابطه نکرد و خوانده شد، زمانی رسید که تصمیم گرفتم به تهران و به سراغ آقای افشار بروم. همانطور که می‌دانید او به غیر از تخصص وسیعی که در زمینه کتابداری داشته، در سطح جهانی هم به عنوان یکی از کسانی به شمار می‌آید که در زمینه تاریخ رجال و تاریخ مشروطه صاحب نظر بوده است. دهه هفتاد بود که خدمت اورسیدم و وارد دفتر مجله آینده شدم.

ایرج افشار علاوه بر این که ایران‌شناس بود، یزدشناس هم بود و «یادگارهای یزد» اش مهم‌ترین کارش است.

بله، خوشبختانه مهم‌ترین متون یزدشناسی تألیف او است. یزد بر خلاف اینکه شهر فقیری است به لحاظ منابع غنی است، بطور مثال در زمینه منابع متون قدیمی اصفهان بسیار فقیر است ولی یزد غنی است. تنها پژوهش‌های یزدشناسی ایرج افشار، حدود ۲۵ جلد و ۱۲۰ مقاله است که در زمینه یزد و بزرگان این خطه نوشته است.

■ بخش اعظم پژوهش‌های شما درباره یزد و یزدشناسی است. اساس پیشینه یزدپژوهی به چه زمانی برمی‌گردد؟

قدیمی‌ترین کارهایی که در مورد یزد داریم، فصلنامه فرهنگ یزد است که چهار جلد زیر نظر حسین محبوبی اردکانی در سال‌های ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸، ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹، ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰، ۱۳۴۱ چاپ شد. با این حال، کسی که بیشترین کار را در زمینه یزد کرده و خدمت‌های در زمینه یزد داشته و تحقیقات یزدپژوهی را بنیانگذاری کرده، بدون اغراق و مبالغه ایرج افشار است. ما مهم‌ترین منابعی را که در دست داریم ایرج افشار تصحیح کرده است. البته بعدها در نسل جدید این علاقه پیدا شد و مثلاً در کتابخانه وزیری یزد، بخش یزدشناسی وجود دارد که مهم‌ترین

کتاب‌ها در این زمینه گردآوری شده است. مفتخرم که کتاب «یزدشناس نامور» را درباره آن نادره روزگار، مدون و منتشر کرده‌ام.

■ شما چرا سراغ یزدشناسی رفتید؟ و این عرصه جقدر برایتان جذابیت داشت؟

عشق و علاقه‌ای که هر کس به وطنش و حتی محل زندگی‌اش دارد طبیعی است. حتی مثلاً در ایام عزاداری محرم همه دوست دارند به شهر و محله خود بروند. این عشق و علاقه از محله شروع می‌شود تا به زادگاه و کشور می‌رسد. تقریباً در کرمان‌شناسی، مرحوم استاد باستانی پاریزی پیشرو بوده است. ■ آب‌انبارهای یزد که شما درباره‌شان کار کردید، از چه جهتی اهمیت دارد و چرا سراغ آن‌ها رفتید؟

در سال‌های پیش از انقلاب علاقه به آثار باستانی داشتم. در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۶ مجله‌ای به نام آگاهی‌نامه چاپ می‌شد که آن را سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی چاپ می‌کرد. چون علاقه به آثار باستانی داشتم یک روز به میراث فرهنگی یزد که در باغ دولت‌آباد بود رفتم. مدیر آنجا در آن زمان، دکتر محمدرضا اولیا بود. به من گفت که اگر علاقه به آثار باستانی داری پژوهشی انجام بده تا من ببینم. درباره مسجدی به نام زاویه که یکی از مساجد معروف یزد است. هر وقت از کنار آن عبور می‌کردم، می‌گفتم کاش تاریخچه این مسجد را می‌نوشتم لذا همان را انتخاب کردم و تحقیق جامعی در حدود ۱۰ صفحه نوشتم. و تا تحقیق مرا دید گفت از فردا بیا سر کار و این گونه شد که من از سال ۱۳۶۲ کارمند ارشدی می‌گذارم که جای خالی‌شان را با ذره ذره وجود احساس می‌کنیم.

با بودن حسین مسرت، من به آینده تاریخ می‌خواهم پژوهشی در مورد آب‌انبارهای یزد انجام دهم. من این کار را انجام دادم و تا سال ۱۳۸۸ هرچه مطلب در مورد آب‌انبار می‌دیدم در یک پوشه نگهداری می‌کردم تا آنکه کتابی ۲۰۰ صفحه‌ای نوشتم که حاصل این پژوهش شد. ■ اهمیت آب‌انبارهای یزد از چه جهتی قابل بررسی است؟

تقریباً از ۷۰۰ آب‌انباری که در ایران شناخته شده، ۴۰۰ آب‌انبار در شهر یزد است. شهر یزد به دلیل کویری بودن و خشک بودن آب و هوا و بارش کم، فصولی از سال آب یافت نمی‌شود. مردمان کویر و کسانی که در معماری کویر دست داشتند دنبال مکانی برای ذخیره‌سازی آب بودند و این گونه برای نخستین بار منبع آب درست شد. تجربه نشان داده که در شهر یزد در تابستان، زیر زمین خشک است و در تابستان برعکس زیرزمین گرم است. برای خشک ماندن آب در فصل گرم، عنصری به نام بادگیر که در خانه‌ها بود با عنصر منبع آب زیرزمینی تلفیق شد. منبع آب به صورت زیرزمینی ساخته می‌شد که آب را خشک کند و سالیانه‌ای برای بهره‌وری

راحت‌تر باشد. اطراف آب‌انبار‌ها را چهار طرفه، شش طرفه و هشت طرفه یا چند وجهی درست می‌کردند که از هر سویی به باد به یزد می‌آید، از سوی کرمان، اصفهان و شمال به‌این آب‌ها برسد. هرچه بادگیر‌ها سوی بیشتری داشته باشند، درجه و موفقیت بادگیری‌شان بیشتر است. این بادگیر به غیر از جنبه خنک‌کنندگی، جنبه تهویه هوا هم داشت. یعنی از هر سویی که باد می‌آمد، از سوی دیگر باد‌های مزاحم که هوا را آلوده می‌کردند، خارج می‌شد. مثلاً از طرف اصفهان باد می‌آمد و از طرف کرمان خارج می‌شد. هم آب را خنک می‌کرد و هم تهویه داشت، اینگونه بادگیر‌ها دو عمل را با هم انجام می‌دادند. بعدها تمهیدات دیگری اندیشیده شد که مثلاً ساروج استفاده شود تا آب را خنک نگه دارد. کف آب‌انبار‌ها را گاهی سرب می‌ریختند که هم استحکام دارد و هم آب را خنک نگه می‌دارد. این تمهیداتی بوده با این هدف که آب‌انبار‌ها کمترین میزان تابش را در روز داشته باشند، بیشترین نوردهی را در روز در پله‌ها داشته باشند، آب‌انبار‌ها دو سرب یا دو طرفه باشند یا دو دهنه باشند تا هم مردم این محله استفاده کنند و هم مردم محلی دیگر. همچنین آب‌انبار‌ها دوراهی باشد تا هم مسلمان‌ها و هم زرتشتی‌ها استفاده کنند. اگر امکان نداشته باشد آب‌انبار دو راهه یا سه راهه



یزد برخلاف اینکه شهر فقیری است به لحاظ منابع غنی است. بطور مثال در زمینه منابع متون قدیمی اصفهان بسیار فقیر است ولی یزد غنی است. تنها پژوهش‌های یزدشناسی ایرج افشار، حدود ۳۵ جلد و ۱۲۰ مقاله است که در زمینه یزد و بزرگان این خطه نوشته است

باشد. آب‌انبار دو شیر داشته باشد که یک شیر برای مسلمان‌ها و یک شیر برای زرتشتی‌ها باشد و این به دلیل اعتقادات نمی‌دهند بلکه وقتی مقاله‌ات در مجله چاپ می‌شود باید بروی مجله را هم بختری. الان شاید برای برخی از ۶۰۰ مقاله‌ام، تنها برای ۵۰ مقاله حق التألیف گرفته باشم و ۵۵۰ مقاله دیگر ظاهر را بیگان بوده است! نشریات یزد بخصوص در زمینه یزد هر جا مقاله‌ای بخواهند را بیگان در اختیارشان می‌گذارم. این برایم مهم نیست؛ مهم، اعتلای فرهنگ ایران است.

■ آینده یزدشناسی و یزدپژوهی را چگونه می‌بینید؟

خوشبختانه در حال حاضر با وجود رشته‌های ایران‌شناسی و آمدن استادان خوب چندان جای نگرانی نیست. یکی از آنها علی اکبر تشکری بافتی است که من با وجود او به آینده تاریخ یزد امیدوار هستم. او مثلاً در زمینه تاریخ زرتشتیان یزد کارهای قوی و پرمایه‌ای انجام داده است. از این جهت و با توجه به دانشگاه یزد که جزو دانشگاه‌های خوب است، می‌توان به آینده تاریخ‌نگاری یزد امیدوار بود.

کردم که روی مشروطه کار کند. آقای علی اکبر تشکری بافتی کتاب مشروطیت یزد را زیر نظر استاد افشار کار کرد و آن را انتشارات علم در دو جلد چاپ کرد.

■ شما سال‌ها است که در کتابخانه و وزیری مختصات آن به‌ما بگویید.

کتابخانه وزیری در ۱۵ فروردین ۱۳۳۴ توسط مرحوم علی‌محمد وزیری (۱۲۷۴-۳ اردیبهشت ۱۳۵۶) که یک روحانی فرهنگ‌دوست بود، ایجاد شد. ایرج افشار هم به مرحوم وزیری علاقه داشت. او کارهای زیادی در زمینه فرهنگ انجام داده بود که یکی از بزرگترین کارهایش کتابخانه است. اگر به مسجد جامع یزد هم بروید، در دهلیز شمالی، فضایی هست که روی کاشی نام کتابخانه وزیری یزد نوشته است. چون ابتدا کتابخانه وزیری آنجا بوده و بعد بازگشتن یزدی به نام هراتی یزدی که بر زمین هم نامش هست، ساخته می‌شود. ۲ هزار کتابخانه و ۲ تملک او نبوده ولی ساختمان به همت او بنا شده است. این کتابخانه با ۲ هزار جلد کتاب مرحوم وزیری که چاپی و خطی بوده است، شروع به کار می‌کند. بعدها و در سال ۱۳۸۸، با نفوذ کلامی که آقای وزیری داشت، در حالی که کتابخانه ۲۱ هزار کتاب داشت وقف آستان امام رضا (ع) می‌شود. در میان هزار جلد کتاب اهدایی

وجود دارد. زیرا در زمان حیات مرحوم وزیری، از مکان‌های مختلف می‌آمدند که این کتابخانه به آنجا اهدا شود ولی مرحوم وزیری کتابخانه را وقف آستان قدس رضوی کرد و از آن تاریخ، همه امکانات و بودجه و کتاب‌ها اهدا می‌شود. پس از ایشان هم جناب محمدرضا انتظار بقیه‌الله مدیریت آنجا را برعهده گرفت و اتفاقاً هفتم شهرویر امسال، در بخش ویژه آیین اختتامیه جشنواره کتابخوانی رضوی در استان یزد از پنجاه سال کتابداری او تجلیل به عمل آمد. ناگفته نماند که ما از تقریباً ۲۴۰ هزار جلد کتابی که داریم، ۱۴۰ هزار جلدش اهدایی است. در کنار اینها ما در حال حاضر ۴۸۰۰ جلد کتاب نسخه خطی داریم که دو سوم آن اهدایی است. همچنین بیش از ۵ هزار مجلد نشریه نگهداری می‌شود.

■ کتابخانه وزیری گویا زیرزمینی هم دارد و کتاب‌های زیادی در آنجا وجود دارد. صحیح است؟

بله، بعد از اینکه کتابخانه تخریب شد و فضای جدیدی ساخته شد، بخشی از آب‌انبار چهارسوق با ساختن یک سقف کاذب به قلعه کتاب تبدیل شد. این قلعه کتاب، مخزن کتاب‌های خطی ما شد و ۴۸۰۰ جلد کتاب خطی ما در آنجا نگهداری می‌شود که بدنه آن بدنه آب‌انبار است ولی دور تا دور آن بتن آرمه شده است که هم بدنه حفظ شود و هم کتابخانه در جای خودش محفوظ بماند. ■ در حالی که گفته بودید که وقتی کتاب‌شناسی رشیدالدین مبدی را چاپ کرده بودید، حق التألیف ۵۰ هزار تومان گرفته بودید و یک نفر در تهران ۵ میلیون تومان گرفته بود. با این حال همچنان کار پژوهش را دنبال می‌کنید و به جای نگه‌داری که بگویید خسته‌شدم. دلیل این علاقه و همت علی‌الودام چیست؟

اکنون از ۱۰۰ مقاله‌ای که می‌نویسم حق‌التألیف دوتاایشان را می‌دهند مثلاً مجله میراث مکتوب حق‌التألیف می‌دهد ولی برخی مجلات نه تنها حق‌التألیف نمی‌دهند بلکه وقتی مقاله‌ات در مجله چاپ می‌شود باید بروی مجله را هم بختری. الان شاید برای برخی از ۶۰۰ مقاله‌ام، تنها برای ۵۰ مقاله حق‌التألیف گرفته باشم و ۵۵۰ مقاله دیگر ظاهر را بیگان بوده است! نشریات یزد بخصوص در زمینه یزد هر جا مقاله‌ای بخواهند را بیگان در اختیارشان می‌گذارم. این برایم مهم نیست؛ مهم، اعتلای فرهنگ ایران است.

■ آینده یزدشناسی و یزدپژوهی را چگونه می‌بینید؟

خوشبختانه در حال حاضر با وجود رشته‌های ایران‌شناسی و آمدن استادان خوب چندان جای نگرانی نیست. یکی از آنها علی اکبر تشکری بافتی است که من با وجود او به آینده تاریخ یزد امیدوار هستم. او مثلاً در زمینه تاریخ زرتشتیان یزد کارهای قوی و پرمایه‌ای انجام داده است. از این جهت و با توجه به دانشگاه یزد که جزو دانشگاه‌های خوب است، می‌توان به آینده تاریخ‌نگاری یزد امیدوار بود.